یادداشت

زنان در شهر

نفیسه آزاد

کمتر اتفاق افتاده که در جلسه‌ای رسمی یا گفت‌وگویی غیررسمی صحبت از بهبود وضعیت شهر برای زنان بشود و این جمله را نشنوم که «چرا فقط زنان؟ مردان مگر زندگی راحتی در شهر دارند؟» یا «چرا باید در این هوا جا کنیم در حالی که شهر باید برای همه انسان‌ها زیست‌پذیر باشد؟»

پاسخ به این سوالات کاری سهل و ممتنع است. رویکرد بالا هم درست و هم نادرست است. شهر باید برای همه انسان‌هایی که در آن زندگی می‌کنند «زیست‌پذیر» باشد در عین حال باید توجهی ویژه به وضعیت زنان در شهر داشت؛ همانطور که باید سالمندان و کودکان را به شکل ویژه در نظر گرفت. تلاش می‌کنم خیلی کوتاه توضیح بدهم که چرا این توجه ویژه لازم است و چه اهمیتی دارد؟

در ۱۹۹۹ شهرداری وین مطالعه‌ای را در ارتباط با حمل و نقل عمومی انجام داد. در این مطالعه از شهروندان پرسیده می‌شد که «چند نوبت در روز و چه‌اَز وسایل حمل و نقل عمومی استفاده می‌کنند؟» اورسلا بلویر از پژوهشگران این مطالعه می‌گوید: «در کمال تعجب دیدیم که مردان در چند دقیقه سوالات را پاسخ می‌دهند در حالی که زنان مدت زیادی را صرف پاسخ به سوالات می‌کردند» واقعیت این است که نوع استفاده زنان از شهر بسیار متفاوت از مردان است. بخش بزرگی از زنانی که در شهر زندگی می‌کنند «خانه‌دار» طبقه‌بندی می‌شوند اما این به این معنی نیست که آنها بخش زیادی از روز را در «خانه» هستند بلکه اتفاقا به این معناست که آنها نیاز به وظایف متعددی که بر عهده دارند زیست متنوعی در شهر دارند. عموما وظیفه نگهداری از کودکان و سالمندان بر عهده زنان است، مدرسه بردن بچه‌ها، مراجعه به دکتر، خرید روزانه سر زدن به خویشاوندان و کارهایی نظیر این در برنامه روزانه زنان است. یک زن ممکن است صبح پیاده کودکانش را به مدرسه ببرد، با مترو یا اتوبوس برای خریده به نقطه‌ای دیگر از شهر برود و از خودروی شخصی برای رساندن مادر یا پدرش به یک مرکز بهداشتی یا بیمارستانی استفاده کند. علاوه بر این زنان بار دار نیازهای ویژه‌ای برای جابه‌جا شدن در شهر دارند. آنها به راحتی نمی‌توانند تحت هر شرایطی از وسایل حمل و نقل عمومی استفاده کنند یا از پله‌های یک پل عابر پیاده بالا بروند.

در حالی که مردان عصرها یک بار صبح برای رفتن به سر کار و یک بار عصر برای بازگشت به خانه در شهر جابه‌جا می‌شوند یا الگوهای ثابتی در استفاده از وسایل حمل و نقل عمومی و جابه‌جایی در شهر دارند.

«حالا «امنیت» را به داستان بالا اضافه کنید. به دلایل بسیاری «امنیت» زنان در شهر با مخاطرات بیشتری همراه است. آزارهای خیابانی تقریبا در همه دنیا و البته در شهرهای ایران از موضوعات مهمی است که حضور زنان در فضاهای عمومی را با محدودیت روبه‌رو می‌کند؛ مسالهای که مردان با درگیر آن نیستند یا بسیار کمتر درگیرند. به‌طور مثال تردد زنان در راسته‌هایی از فضای عمومی که فقط به یک کاربری خاص که از نظر جنسیتی مردانه هستند تعلق دارد- مثل تعمیر گاه‌های ماشین- با مشکلاتی روبه‌رو است به‌طوری که برای زنان ترجیح می‌دهد از این راسته‌ها عبور نکنند. توجه به اختلاط کاربری در فضاهای عمومی شهری باید در خیابان‌ها و راسته‌های شهری مورد توجه قرار بگیرد. در کنار آن توجه به روشنایی معابر می‌تواند بخشی از این سختی‌ها را هموار کند و به زنان احساس امنیت بیشتری در فضای عمومی شهر بدهد. به این موارد اضافه کنید پل‌های عابر پیاده، عرض آبراه‌های کنار خیابان سنگفرش پیاده‌رها، ارتفاع پله‌های اتوبوس‌ها و بسیار موارد از این دست که حضور و استفاده زنان از شهر را به نسبت مردان محدودتر می‌کند. خلاصه اینکه اگر این بار با این حساسیت‌ها نگاهی دوباره به شهر بیندازید متوجه خواهید شد که شهر برای

استفاده یک مرد جوان سالم بلندقد طراحی و ساخته شده و گروه‌های دیگر از جمله زنان در استفاده از آن با محدودیت‌های بسیاری روبه‌رو هستند.

جمعیت زنان و مردان در شهرها با اختلاف کمی تقریبا برابر است اما آیا خدمات شهری به یک اندازه در اختیار آنهاست؟ این موضوع دیگری است که نشان می‌دهد چرا باید برای برنامه‌ریزی شهری و سیاست‌گذاری «زنان» را به‌طور ویژه در نظر گرفت. سهم زنان از وسایل حمل و نقل عمومی مثل مترو و اتوبوس، مناسب‌سازی و سهم زنان از ساعت‌های فعال فضاهای عمومی آموزشی، تفریحی و ورزشی و بسیاری خدمات شهری دیگر.

در سال‌های اخیر تلاش شد با اختصاص سرانه‌های تک‌جنسیتی مثل پارک بانوان یا شهربانوها در تهران که منحصر به زنان بود کمی وزنه دسترسی به خدمات شهری به سمت زنان متعادل شود ولی آیا جداکردن زنان از فضاهای عمومی شهری منجر به حذف تدریجی آنها از شهر نمی‌شود؟ آیا لابد آن ایده است که همه ما اعم از رزن، مرد، کودک، سالمند، توان‌یاب و... در «یک» شهر و در کنار هم زندگی کنیم یا هر گروه اجتماعی را محدود و منحصر به فضاهای خاصی کنیم؟

آخرین و شاید مهم‌ترین موضوع که باعث می‌شود توجه ویژه به زنان در شهر نه تنها منطقی که واجب به نظر برسد سهم زنان از مدیریت شهری و نقش آنها در سیاست گذاری شهری است. در طول سالیان طولانی این نقش تقریبا نزدیک به صفر بوده است. حتی با وجود حضور زنان به عنوان کارمندان شهرداری‌ها و شوراها، سهم آنان از اراده اجرایی یا سیاست‌گذاری شهرهای بزرگ بسیار ناچیز بوده و هنوز هم ناچیز است. هیچ‌وقت تعداد شهرداران یا معاونان شهرداران حتی در شهرهای بسیار بزرگی نظیر تهران به اندازه تعداد انگشتان دست هم نرسیده است. زنان همواره در سطوح میانی به پایین دستگاه‌های اجرایی و اداری حضور داشته‌اند و با سقف‌های شیشه‌ای بسیار محکمی برای رسیدن به پست‌های مهم و مؤثر در اداره شهرها روبه‌رو بوده‌اند. مردان در طول سال‌ها به دلیل حضور بی‌قیدشان در پست‌های مدیریتی و کسب تجربه و روابط ورزه‌های پر و پیمان اجرایی امروز در جایی ایستاده‌اند که می‌گویند «زنی نداریم که توانایی اداره شهری مثل تهران را داشته باشد.»

خوب است از کسانی که استدلال می‌کنند حضور در پست‌های مدیریتی مساله مهمی نیست و نباید انرژی زیادی صرف مطرح کردن آن کرد، بپرسیم «اگر مهم نیست چرا مردان همیشه حضور دارند و زنان هرگز حضور ندارند؟» و چرا در برابر حضور زنان در مدیریت شهری که نیمی از جمعیت فعال آن هستند این همه مقاومت می‌شود؟»

زنان در اجتماعات محلی، سازمان‌های مردم‌نهاد و خیریه‌های شهری فعالیت زیاد و موثری دارند، در واقع فعالیت آنها در بخشی اتفاق می‌افتد که دسترسی به منابع مالی بودجه‌ای و قدرت رسمی سیاست‌گذاری و شبکه روابط و رزومه مدیریتی برای آنها فراهم نمی‌کند اما همزمان آنها در اغلب مواقع در معرض سخت‌ترین و تلخ‌ترین آسیب‌های اجتماعی شهر قرار می‌دهد. آنها شهر را تجربه می‌کنند و با وجود سختی‌ها و محدودیت‌ها همچنان حضور فعالیت خود را حفظ کرده‌اند و تلاش می‌کنند.

به سوال ابتدای متن باز گردیم؛ پاسخ سهل و ممتنع این است که به نفع شهر باید برای همه انسان‌ها زیست‌پذیر باشد. اما در بسیاری از نظرات‌ها و مدل‌ها که حضور زنان در فضاهای عمومی را با محدودیت روبه‌رو می‌کند؛ مساله‌ای که مردان با درگیر آن نیستند یا بسیار کمتر درگیرند. به‌طور مثال تردد زنان در راسته‌هایی از فضای عمومی که فقط به یک کاربری خاص که از نظر جنسیتی مردانه هستند تعلق دارد- مثل تعمیر گاه‌های ماشین- با مشکلاتی روبه‌رو است به‌طوری که برای زنان ترجیح می‌دهد از این راسته‌ها عبور نکنند. توجه به اختلاط کاربری در فضاهای عمومی شهری باید در خیابان‌ها و راسته‌های شهری مورد توجه قرار بگیرد. در کنار آن توجه به روشنایی معابر می‌تواند بخشی از این سختی‌ها را هموار کند و به زنان احساس امنیت بیشتری در فضای عمومی شهر بدهد. به این موارد اضافه کنید پل‌های عابر پیاده، عرض آبراه‌های کنار خیابان سنگفرش پیاده‌رها، ارتفاع پله‌های اتوبوس‌ها و بسیار موارد از این دست که حضور و استفاده زنان از شهر را به نسبت مردان محدودتر می‌کند. خلاصه اینکه اگر این بار با این حساسیت‌ها نگاهی دوباره به شهر بیندازید متوجه خواهید شد که شهر برای

زلزله‌نگاری

عزت آب در سرزمین نگهبان آب

فاروق مظلومی

عجیب و وقیح است یک نفر مثل نتانیاهو که در سرزمین غصبی زندگی می‌کند، نفس می‌کشد، بیاید جلوی دوربین تلویزیون آب چاه یا رود خصوصی را بخرد و از دوستی با مردم ایران حرف بزند و بعد راه‌حل‌های بحران آب برای ایران ارایه دهد. اما احتمالا نتانیاهو گزارش کوتاهی که هفته گذشته از صدا و سیما در مورد او پخش شده بود را دیده و ما را هم مثل خانم دوست داشته باشد مادر قرض کرده است. گزارشگر تلویزیون خودمان از مردم خودمان می‌پرسید دوست چه مشخصاتی در چاه؟ جواب بدیهی بود و سوال با جواب معلوم، سوال نیست. حمله انتحاری به اعصاب بیننده و شنونده است. بن‌بست طرح و ایده در رسانه ملی است. بعد از پایح‌های ملت خوب و صبور که نمی‌دانم دوست داشته باشد همدرد باشد، مهربان باشد و حیف آدم را نزند. گزارشگر عزیز، با فوتی کوکانه روی تیلش عکس نتانیاهو را نشان می‌داد و می‌پرسید این دوست است؟ با دوستی با آدم شرور و بی‌مزه‌ای مثل نتانیاهو سوال کردن دارد؟ قطعا برای ملت شریف ایران و خیلی از ملل شریف دیگر، نتانیاهو هرگز و هیچ‌مکانی- جلو یا پشت دوربین صدا و سیما- دوست نیست. نتانیاهو با این همه خودنازی حتی دوست خودش هم نیست. اما برگ خلاقانه این گزارش رمانی روشد که با این گزارش، بیدونیوی کوتاه از حمله یک خرس اهلی به سر می‌آید. بعد از سازی با همدیگر پخش شد و نتیجه شگفت‌انگیز این گزارش این بود که دوستی نتانیاهو دوستی خاله خرسه است. اولا نتانیاهو خاله کسی نیست اگر هم باشد دایی یا عموم است. دوم آنکه خرس هم نیست، هیچ خرسی بی‌دلیل به یک حمله نمی‌کند. نتانیاهو دستش به کسی نرسد خودش را گزارشی گیرد.

اما سوالی که گزارشگر صدا و سیما باید از مردم بپرسد این است که چه کردیم و می‌کنیم که یک نفر نفرت به دوران رسیده به خودش اجازه می‌دهد که با ما از «آب» حرف بزند یا ملتی که آنها- فرشته نگهبان آب- داشته است. «امیر آب» یا همان «میرآب» و فتجنارد داشته است. قنات داشته است. باید جلوی دوربین تلویزیون آب چاه یا رود خصوصی را بخرد و از آب و باران سفارش داده است. ملتی که قرن‌ها قبل از ساعت آب استفاده می‌کرد.

آب برای ما خیلی اهمیت دارد اتفاقا در تمام شعرهای من پر از باران است، همه شاعرهای من رو به دریا خوب باهمان هست که قبل از خانه‌های عمودی، صاحبخانه به احترام رهگذر و مهمان، جلوی خانه را آب و جارو می‌کرد و این رسم عزیز به احترام آب بر عزیز یا صحیح زود بود یا عصر هنگام تا با کمترین آب بیشترین بهره‌وری را داشته باشیم حالا که این وضعیت بحرانی کسی جلوی خاک‌اش را آب و جارو نمی‌کند بلکه بیشترمان با آب، جاروی کنیم! شاید حکایت همان مال مفت و دل بی‌رحم باشد. من هم مثل شما شنیده‌ام که بیشترین مصرف آب مربوط به کشاورزی است اما راحلی نداریم چون خوشبختانه کارشناس منابع آب نیستم ولی می‌دانم یک دفعه آب را از زمین کشاورز بردن، نان از سفرهاش برداشتن است و خوب می‌دانم در گذشته‌های دور و زمان قنات‌های طویل ما مدیران خوبی برای آب بودیم ولی الان نیستیم و نمی‌دانم چرا. اما یک سوال برایم مهم‌تر است. در این روزگار گرانی، آیا باید همه ما نیایی چرا اینقدر ارزان است؟ آنقدر ارزان که بعضی از آقایان زیر دوش حمام دیوان حافظ را به آواز، خنجی کنند.

پاورقی: سال‌هایی نه چندان دور که رودها خروشان بودند فنجاندار به عنوان مقسم معتمد کشاورزان با یک دیک کوچک و کاسه‌ای با نه سوراخ و چند سنگ کوچک- تشله- کنار جوی می‌نشست کاسه را روی آب دور دیگ می‌گذاشت اگر سهم حسینعلی ده فنجان بود، ده بار که کاسه پر و غرق می‌شد ده تشله کنار گذاشته شده بود، وراه آب به سمت باغ تشنه‌ای دیگر عوض می‌شد این سیستم به ساعت آب‌ها می‌گفتند.

گفت‌وگو

بررسی اثر بارش‌های پراکنده بر شاخص بارش‌ها در گفت‌وگو با مدیر کل پیش‌بینی سازمان هواشناسی

فقط اوضاع البرز کمی خوب است

بارش‌ها تا حدودی کمبود آب را جبران کرده‌اند

اعتماد

حمیدرضا خالدی

در چند سال اخیر بارش‌ها معمولا تا پایان اردیبهشت ادامه داشت و بعد از آن شاهد افزایش دما و اوج گرفتن آن بودیم. اما امسال تقریبا تا پایان خرداده‌ماه، بارش‌ها ادامه داشته است و هوا نیز چندان گرم نبوده است. همین مساله باعث شده تا این تصور قوت بگیرد که با بارش‌های اخیر مشکل کم آبی تا حدود زیادی برطرف شده است و دیگر شاهد بحران کم آبی نخواهیم بود. اما حد وظیفه، مدیر کل پیش‌بینی و هشدار سریع سازمان هواشناسی معتقد است این بارش‌ها چندان هم زیاد نبوده و نه تنها مشکل کم آبی حل نشده است که حتی در بسیاری از استان‌ها، مقدار بارش‌ها کمتر از سال‌های قبل بوده و در برخی حتی به وضعیت بحرانی رسیده است. گفت‌وگویی با وظیفه در مورد همه زوایای وضعیت جوی و شاید‌هایی که در آینده با وضعیت جوی روبه‌رو خواهیم بود.

■ مثلا کدام استان‌ها؟

مثلا هرمزگان. مقدار بارش بلندمدت سالانه این استان ۱۶۴ میلیمتر بوده در حالی که امسال تقریبا ۵۸ میلیمتر بارش داشته است. یعنی چیزی حدود ۶۵ درصد کاهش بارش داشته‌ایم. البته این مساله در سیستان و بلوچستان از این هم حادتر است. بارش سالانه این استان ۱۰ میلیمتر بوده که امسال با کاهشی ۷۲ درصدی به ۲۸.۶ میلیمتر کاهش یافته است. یزد هم از دیگر استان‌هایی است که امسال میزان بارش‌هایش ۳۷.۵ درصد زیر حد نرمال بوده است. اما شاید مهمترین کاهش مقدار بارش را استان فارس داشته باشد. میانگین سالانه بارش در این استان ۳۰۲ میلیمتر بوده است درحالی که امسال تنها ۱۰۳ میلیمتر بارش داشته است. یعنی چیزی بیش از ۵۶ درصد کاهش اختصار رضوی از دیگر استان‌هایی است که بارش باران در آن کاهشی محسوس داشته به طوری که از ۲۰۱ میلیمتری که قرار بود در بازه زمانی سال جدید تاکنون داشته باشد، تنها ۱۲۹ میلیمتر باران باریده که موید کاهش ۳۶ درصدی بارش در این استان است. حتی استان چهارمحال و بختیاری که استانی پربارش است نیز امسال کاهش بارندگی داشته است به طوری که به جای بارش میانگین ۵۸۰ میلیمتری سالانه خود، در یکسال گذشته تنها ۳۱۱ میلیمتر باران داشته است. اینها نشان می‌دهد که برخلاف اظهارنظرهای عامیانه، مقدار بارش‌ها چندان هم زیاد نبوده‌است.

■ ولی فکر کنم تهران وضعیت بهتری داشته است؟

نه. اینچنین نیست. باوجود بارش‌های خوبی که به زعم شما داشته‌ایم، البرز ۱۵ درصد و تهران ۱۵ درصد نسبت به سال گذشته کاهش بارندگی داشته است. اگر دقت می‌کردید بارش‌ها در تهران اکثرا پراکنده و محدود بود. یعنی مثلا بیشتر در شمال شهر بارش داشتیم درحالی که در جنوب شهر خبری از بارندگی نبود.

■ درمجموع، وضعیت بارش در کل کشور چطور بوده است؟

به‌طور خلاصه نسبت به سال گذشته ۲۲ درصد کاهش بارش را در کل کشور داشته‌ایم. از لحاظ عدد و رقمی هم که بخواهیم نگاه کنیم، میانگین بارش باران در کشور در همین بازه سه ماهه کنونی ابتدایی سال ۲۰۸ میلیمتر بوده که متاسفانه امسال به ۱۶۲ میلیمتر کاهش پیدا کرده است. همچنین میانگین بارش «سالانه» باران نیز از ۲۳۲ میلیمتر به ۲۲۰ میلیمتر کاهش داشته که همه اینها آمار نگران کننده‌ای هستند.

■ ولی قبول دارید که امسال بارش‌هایی که تا همین الان هم داشته‌ایم دارد، تا حدودی در سال‌های اخیر بی‌سابقه بوده است؟ یعنی سال‌های قبل اواخر اردیبهشت بارش‌ها تقریبا تمام شده بود ولی الان هنوز بارش داریم.

این نشانی از الگوهای جوی اروپاست. در هواشناسی پدیده‌ای داریم به نام بندال یا بلاکینگ. در این پدیده، گرم و خشک شدن هوا در اروپا باعث می‌شود تا رطوبت از روی دریای مدیترانه به سمت ایران بیاید و بارش در اینجا زیادتر شود. این پدیده می‌تواند برعکس باشد. یعنی اگر اروپا مرطوب و بارانی باشد، اینجا هوا خشک و کم‌بارش خواهد بود.

■ در فضای مجازی خبری منتشر شده که امسال در استانی بارش‌ها به دلیل فرآیند باروری ابرهایی است که توسط کشورهای همسایه صورت گرفته است. این فرضیه تا چه حد درست است؟

فقط می‌توانم بگویم «شایعه» است و هیچ منبع و مدرکی در کشور داشته‌ایم. از لحاظ عدد و رقمی هم که بخواهیم نگاه کنیم، میانگین بارش‌های کشور در همین بازه سه ماهه کنونی ابتدایی سال ۲۰۸ میلیمتر بوده که متاسفانه امسال به ۱۶۲ میلیمتر کاهش پیدا کرده‌است.

■ نسبت به سال گذشته ۲۲ درصد کاهش بارش در کشور داشته‌ایم. از لحاظ عدد و رقمی هم که بخواهیم نگاه کنیم، میانگین بارش‌های کشور در همین بازه سه ماهه کنونی ابتدایی سال ۲۰۸ میلیمتر بوده که متاسفانه امسال به ۱۶۲ میلیمتر کاهش پیدا کرده‌است.

■ بارش‌ها تا حدودی کمبود آب را جبران کرده اما هنوز تا استاندارد‌های بارش نرمال فاصله زیادی داریم. البته شاید بد نباشد که بدانید، این بارش‌ها بیشتر به سلسله جبال البرز و استان آذربایجان محدود بود و در مقابل در بسیاری دیگر از استان‌ها بارش‌ها خیلی کم بوده است.

■ در هواشناسی پدیده‌ای داریم به نام بندال یا بلاکینگ. در این پدیده، گرم و خشک شدن هوا در اروپا باعث می‌شود تا رطوبت از روی دریای مدیترانه به سمت ایران بیاید و بارش در اینجا زیادتر شود. این پدیده می‌تواند برعکس باشد. یعنی اگر اروپا مرطوب و بارانی باشد، اینجا هوا خشک و کم‌بارش خواهد بود.

■ آقای دکتر، امسال در ظاهر شاهد بارش‌های بسیار بیشتری نسبت به سال‌های گذشته در تهران و بسیاری دیگر از استان‌های کشور بودیم. اصلا بارش‌باران تا آخر ورزهای خرداده‌ماه درسال‌های اخیر بی‌سابقه بود. خیلی‌ها معتقدند که این بارش‌ها باعث می‌شود تا کمبود آب تا حدود زیادی جبران شود. واقعا همین طور است؟ یعنی این بارش‌ها توانسته تا حدودی کمبود آب را جبران کند؟

قطعا این بارش‌ها تا حدودی کمبود آب را جبران کرده ولی این مقدار آنچنان که باید و شاید قابل توجه نیست. یعنی هنوز تا استانداردهای بارش نرمال فاصله زیادی داریم. البته شاید بد نباشد که بدانید، این بارش‌ها بیشتر به سلسله جبال البرز و استان آذربایجان محدود بود و در مقابل در بسیاری دیگر از استان‌ها بارش‌ها خیلی کم بوده است.

■ در هواشناسی پدیده‌ای داریم به نام بندال یا بلاکینگ. در این پدیده، گرم و خشک شدن هوا در اروپا باعث می‌شود تا رطوبت از روی دریای مدیترانه به سمت ایران بیاید و بارش در اینجا زیادتر شود. این پدیده می‌تواند برعکس باشد. یعنی اگر اروپا مرطوب و بارانی باشد، اینجا هوا خشک و کم‌بارش خواهد بود.

■ چطور؟

به چند دلیل عمده و کاملا علمی. اولا در ایران گرد و خاک زیادی درون لایه‌های ابرنفوذ می‌کند و به طور طبیعی هسته‌های بارشی وجود دارد. بنابراین دیگر لزومی به تشکیل هسته‌های جدید بارش زائیست. دوم اینکه گیریم که مثلا با این روش، بتوان در استان‌های مرطوبی مثل چهارمحال و بختیاری بارش تولید کرد، ولی در این بین تکلیف شهرهایی مثل اصفهان چه خواهد شد؟ و سومین دلیل اینکه محاسبات و ارزیابی این روش بسیار سخت و پیچیده است و در ایران هنوز امکان چنین محاسباتی وجود ندارد.

■ پس راهکار و راه‌حلی برای کم‌آبی وجود ندارد؟

تنها راهکار همان اعلام الگوی مصرف است و بس. تا وقتی که مصرف آب خود را در هنگام استحمام و شست و شو یا در کشاورزی اصلاح نکنیم نمی‌توانیم انتظار بهبود وضعیت کنونی را داشته باشیم.

■ به این ترتیب هیچ‌یک از بخش‌های دولتی و نهادهای مختلف، به دنبال حل مشکل کم‌آبی از طریق روش باروری ابرها نیستند. درست است؟

بله. دقیقا. اگر هم خبری در این زمینه منتشر می‌شود، شایعه است.

■ پیش‌بینی‌تان برای تابستان امسال چطور است؟

براساس الگوها و نقشه‌های جهانی هواشناسی، به نظر می‌رسد امسال تابستان نرمال و متعادلی را پیش رو داشته باشیم. البته اینها پیش‌بینی است و ممکن است براساس شرایط جوی الگوها تغییر کند.

■ پاییز چطور؟ آیا امسال هم پاییز دیر تر از موعد آغاز خواهد شد؟

به برعکس. الگوهای هواشناسی حکایت از آن دارد که امسال پاییز زودهنگام و بربارشی را پیش رو خواهیم داشت.

تأمل

سازگاری با کم آبی

چند روز قبل داوود نجفیان، مدیرعامل شرکت آب منطقه‌ای استان البرز از رفع نگرانی‌ها نسبت به ذخیره سد کرج خبر داد. البته او تاکید کرد به‌دو که میزان بارش امسال منفی ۱۳ درصد نسبت به دوره قبل بوده است. با این حال نجفی در پاچه سد امیرکبیر بر روی دخانه کرج روزنه امیدی پیش روی ما می‌گشاید. اگر به پشت سد امیرکبیر بروید به چشم خود می‌بینید که دیگر از آن خط خشکیدگی روی کوه‌هاشی از پایین آمدن سطح آب دریاچه خبری نیست و آب نازدیکی تاج سد آمده است. عکس دیروز ۲۳ خرداد ۹۷ گرفته شده است. تخمین به اینسا گفته بود: وضعیت کنونی سد کرج تقریبا مشابه سال گذشته است. این سد در حال حاضر ۱۸۰ میلیون مترمکعب ذخیره دارد؛ یعنی ۹۸ تا ۹۹ درصد از ظرفیت آن پر است. اما نکته اینجاست که بارش‌های اخیر فقط در محدوده رشته کوه‌های البرز کمی جبران کننده بوده است؛ با این حال در شرایطی که وضعیت برای تهرانی‌ها و البرزی‌ها اندکی با بارش‌های اخیر امیدبخش و آرام‌کننده بوده است لازم است با اندوگی خاطه به این نکته اندیشید که چگونه می‌توان سازگاری با کم‌آبی را عملیاتی و اجرا کرد. تمرکز جمعیت از استان‌های تهران و البرز و مصرف بالای آنها می‌تواند با بهینه‌سازی مصرف این روزنه امید که با پربودن دریاچه سد به دست آمده‌ از تثبیت کند.

جامعه‌شناس

زلزله‌نگاری

عزت آب در سرزمین نگهبان آب

فاروق مظلومی

عجیب و وقیح است یک نفر مثل نتانیاهو که در سرزمین غصبی زندگی می‌کند، نفس می‌کشد، بیاید جلوی دوربین تلویزیون آب چاه یا رود خصوصی را بخرد و از دوستی با مردم ایران حرف بزند و بعد راه‌حل‌های بحران آب برای ایران ارایه دهد. اما احتمالا نتانیاهو گزارش کوتاهی که هفته گذشته از صدا و سیما در مورد او پخش شده بود را دیده و ما را هم مثل خانم دوست داشته باشد مادر قرض کرده است. گزارشگر تلویزیون خودمان از مردم خودمان می‌پرسید دوست چه مشخصاتی در چاه؟ جواب بدیهی بود و سوال با جواب معلوم، سوال نیست. حمله انتحاری به اعصاب بیننده و شنونده است. بن‌بست طرح و ایده در رسانه ملی است. بعد از پایح‌های ملت خوب و صبور که نمی‌دانم دوست داشته باشد همدرد باشد، مهربان باشد و حیف آدم را نزند. گزارشگر عزیز، با فوتی کوکانه روی تیلش عکس نتانیاهو را نشان می‌داد و می‌پرسید این دوست است؟ با دوستی با آدم شرور و بی‌مزه‌ای مثل نتانیاهو سوال کردن دارد؟ قطعا برای ملت شریف ایران و خیلی از ملل شریف دیگر، نتانیاهو هرگز و هیچ‌مکانی- جلو یا پشت دوربین صدا و سیما- دوست نیست. نتانیاهو با این همه خودنازی حتی دوست خودش هم نیست. اما برگ خلاقانه این گزارش رمانی روشد که با این گزارش، بیدونیوی کوتاه از حمله یک خرس اهلی به سر می‌آید. بعد از سازی با همدیگر پخش شد و نتیجه شگفت‌انگیز این گزارش این بود که دوستی نتانیاهو دوستی خاله خرسه است. اولا نتانیاهو خاله کسی نیست اگر هم باشد دایی یا عموم است. دوم آنکه خرس هم نیست، هیچ خرسی بی‌دلیل به یک حمله نمی‌کند. نتانیاهو دستش به کسی نرسد خودش را گزارشی گیرد.

اما سوالی که گزارشگر صدا و سیما باید از مردم بپرسد این است که چه کردیم و می‌کنیم که یک نفر نفرت به دوران رسیده به خودش اجازه می‌دهد

سلامت

واکسن ایرانی HPV به مرحله پایانی تولید رسید

گروه اجتماعی | رضا ملک‌زاده معاون تحقیقات و فناوری وزارت بهداشت با اعلام اینکه محققان دوشرکت دانش‌بنیان ایرانی به پیشرفت ۹۰ و ۷۰ درصدی در تولید واکسن HPV رسیده‌اند، گفت: «نخستین واکسن ایرانی زگیل تناسلی به زودی تولید و احتمالا از سال ۹۸ وارد بازار می‌شود. برنامه‌های تشخیصی ویروس HPV تحت پوشش بیمه قرار ندارد و هزینه واکسیناسیون HPV برای هر فرد، ۷۵۰ هزار تومان و نرخ استفاده از این واکسن در کشور، ۴۳ هزار در است. بنابراین تحقیقات برای تولید واکسن‌های مؤثر و با کیفیت که این هزینه‌ها را بشکست کاهش دهد، قابل حمایت هستند.» ملک‌زاده با بیان اینکه: «نتایج برخی تحقیقات انجام شده در ایران شیوع کلی این ویروس در جمعیت زنان را حدود ۲ تا ۴ درصد تخمین زده و در مطالعه عادی ۴ شهرستان کشور HPV مثبت داشتند. یک مرور سیستماتیک بر ۱۲ مطالعه در ایران هم شیوع HPV در بین زنان سالم در استان‌های مختلف ایران ۴.۲ درصد اعلام کرده و در حالی که عفونت ویروس HPV، یکی از راه‌های ابتلا به سرطان دهانه رحم و شیوع آن است، این نوع سرطان هنوز همین سرطان شایع بین زنان ایرانی است و مرگ‌های ناشی از سرطان دهانه رحم در کشور سالانه ۳۷۰ مورد است. البته عفونت HPV که عمدتا در دان عامل انتقال آن هستند، در اغلب موارد توسط سیستم ایمنی پاکسازی می‌شود و آگردن نتواند عفونت ویروس را پاک کند، پایداری طولانی مدت ویروس در بدن ممکن است منجر به بروز سرطان دهانه رحم شود. بنابراین انجام واکسیناسیون یک راه پیشگیری مؤثر در برابر سرطان دهانه رحم است. مطالعات نشان می‌دهد که واکسیناسیون HPV در فرازمدت، باعث کاهش ۹۸ درصدی موارد بدخیمی‌ها در زنان کمتر از ۵۰ سال می‌شود.» با وجود هشدارهایی که برای بهداشت جلو یک هفته اخیر درباره ضرورت پیشگیری از ابتلا به HPV مطرح کرده‌اما دادستان کل کشور، دادستان تهران را موظف کرد ادعاهای مطرح شده در یک برنامه تلویزیونی مربوط به شیوع بیماری زگیل تناسلی را در اسرع وقت پیگیری و نتیجه را گزارش کند. به گزارش ایرنا در پی پخش برنامه‌ای در تاریخ هشتم خرداد ماه سال جاری در یکی از شبکه‌های سیما و طرح ادعایی درباره نوعی بیماری، معاونت حقوق عامه دادستانی کل کشور پس از انجام بررسی‌های لازم درخصوص کذب بودن مطالب و ادعاهای مطرح شده در آن برنامه، گزارشی به دادستان کل کشور ارایه داده است. به دنبال بررسی‌های اولیه، دادستان عمومی و انقلاب تهران از سوی حجت‌الاسلام ومالمسلمین محمدجعفر منتظری دادستان کل کشور مامور شد برابر با مقررات، در اسرع وقت و با توجه به آثار و تبعات ادعاهای مطرح شده در جامعه، موضوع را پیگیری و تعقیب کند و نتیجه‌نیز برای عموم اعلام شود.

خبر

انتقاد سازمان غذا و دارو از سازمان‌های بیمه گر

کیانوش جهانپور، سخنگوی سازمان غذا و دارو با اشاره به حجم بالای بدهی‌های سازمان‌های بیمه‌گر به داروخانه‌های کشور گفت: در حال حاضر برخی بیمه‌ها در پرداخت مطالبات به یک سال می‌رسد. در صورت ادامه این روند، ممکن است برخی تولیدکنندگان داخلی نتوانند مواد اولیه همه داروها و خطوط تولیدشان را تامین کنند و در برخی موارد دچار کمبود در زمینه داروهای تولید داخل شویم. در حال حاضر میزان کمبودهای مقطعی در کشور بین ۶۰ تا ۶۵ قلم دارو است که رفع می‌شود. عموما در کشورما به جز مقاطع خاص مانند سال ۹۰-۹۱ و قبل از سال ۹۴ که ۳۰۰ تا ۳۵۰ قلم کمبود دارویی در کشور داشتیم، به طور میانگین کمبودهای دارویی همیشه بین ۵۰ تا ۶۵ قلم بوده و کمبود دارو تقریبا در تمام بازارهای دنیا به‌صورت مقطعی بروز پیدا می‌کند.» ایسنا

شهریه مهدهای کودک ۱۰ تا ۴۰ درصد افزایش یافت

تعرفه جدید مهدهای کودک از سوی سازمان بهزیستی کشور اعلام شد. تعرفه ها بین ۱۰ تا ۴۰ درصد افزایش نشان می‌دهد. سازمان بهزیستی کشور در بخشنامه‌ای اعلام کرد شهریه مهدهای کودک یک ستاره ۱۰ درصد، دو ستاره ۲۰ درصد، سه ستاره ۳۰ درصد و چهار ستاره ۴۰ درصد بیشتر از شهریه پایه در نظر گرفته شده است.

بخشنامه شهریه مهدهای کودک تحت نظارت سازمان بهزیستی کشور از سوی سازمان محسنی‌بندپی، رییس این سازمان به همه استان‌ها ابلاغ شد و از ابتدای اردیبهشت ماه قابل اجرا است. برای پیگیری از بروز تخلفات احتمالی تعهداتی هم اندیشیده شده است. براساس این ابلاغیه بخشنامه شهریه مصوب که از سوی استان‌ها برای مهدهای کودک ارسال خواهد شد، باید در معرض دید عموم والدین و پایگاه اطلاع‌رسانی استان قرار گیرد. ایرنا

از سر دلسوزی

کالای بی کیفیت، محصول بی‌مهری به میهن

نیوشا طبیبی

۱ بی‌شمار محصول ایرانی با استفاده از مواد اولیه ایرانی تولید می‌شوند که کیفیتی عالی دارند و می‌توان گفت از نظر نوع محصول و خوبی در عالم بی‌نظیر هستند و از میان غیر ایرانیان هم خریداران بسیار دارند. استقبال از این نوع کالاها به دلیل دقتی است که تولیدکننده ایرانی در کیفیت محصول تولیدی خود به کار برده و نتیجه‌اش استقبال مشتریان خارج و ارزآوری برای کشور است. برخی تولیدکنندگان از تمایل بازارهای خارجی به کالای خاص ایرانی «بوساستفاده» کرده و محصولی بی‌کیفیت و تقلبی را به این بازارها می‌فرستند که سبب می‌شود اطمینان به کالا و محصول ایرانی نزد خریداران از بین برود. گویی ساز و کاری برای کنترل کیفیت محصولات صادراتی اعمال نمی‌شود یا اگر می‌شود خیلی سرسری و از روی بی‌حوصلگی- همان بیماری وحشتناک سیستم ادا